

اصل تناظر^۱

دکتر عبدالله شمس

چکیده

اصل تناظر یکی از اصول راهبردی آیین دادرسی مدنی است. براساس این اصل هریک از اصحاب دعوا باید، علاوه بر این که فرصت و امکان مورد مناقشه قرار دادن ادعاها، ادله و استدلالات رقیب را داشته باشد، باید فرصت و امکان طرح ادعاها، ادله و استدلالات خود را نیز دارا باشد. اصل تناظر که ترجمه اصطلاح فرانسوی Contradiction می باشد و دیگران آن را «ترافعی» ترجمه نموده اند که به نظر ما منقح نمی باشد، بطور صریح، در هیچ یک از مواد قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی نشده است. در عین حال در این مقاله کوشش شده است که آن دسته از مقررات قانون مزبور که بر پایه اصل تناظر تنظیم گردیده و نیز آن دسته از آراء دیوان عالی کشور و محاکم ایران که بر مبنای اصل تناظر تنظیم و یا صادر گردیده اند معرفی شود. در پایان پیشنهاد شده است که اصل مزبور، همانطور که در قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه تصریح گردیده، در قانون ایران نیز تحت عنوان مزبور پیش بینی شده و ضمانت اجرای آن نیز تصریح گردد.

1. Principe de Contradiction.

Le principe de contradiction

Dr. Abdollah SHAMS

Abstrait

Le caractère contradictoire de la procédure contentieuse est une garantie essentielle de bonne justice. Il importe en effet que chaque partie est en mesure de discuter les prétentions, les preuves et les arguments de son adversaire et de présenter ses prétentions, ses preuves et ses arguments. On exprime aussi ce principe de la "Contradiction".

Ce principe n'est pas explicitement prévu par le code de procédure civile Iranienne, mais nous avons démontré, dans cet article, qu'on peut voir les traces de principe de "Contradiction" dans plusieurs articles de ce code et aussi en jurisprudence Iranienne.

آئین دادرسی مدنی، از سال ۱۳۲۹ قمری، بر مبنای چند اصل بنیادین سازمان‌دهی شد؛ اصولی که در قانون آئین دادرسی مدنی ۱۳۱۸، اصلاحات و الحاقات بعدی آن، مورد احترام قرار گرفت و آثار آن در قانون جدید آئین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹ نیز مشاهده می‌شود. رعایت اصول مزبور در قانونگذاری، حاصل عنایت به اصول قضا و قضاوت در ایران باستان، در فقه و البته در غرب و مخصوصاً فرانسه بود. یکی از مهمترین اصول راهبردی مزبور اصل تناظر^۲ است که برخی حقوقدانان آن را با حق دفاع مترادف دانسته و عده دیگری تناظر را اجرای اصل احترام حق دفاع می‌دانند و برخی نیز بر این عقیده‌اند که احترام حق دفاع فقط جنبه‌ای از اصل تناظر یا نتیجه مستقیم آن است و بالاخره بعضی نیز آن را تضمین‌کننده مساوات اصحاب دعوا تلقی می‌نمایند.^۳ پس از تبیین مفهوم و

۲. "Contradiction" را مرحوم استاد دکتر احمد متین دفتری ترافع (ترافی) ترجمه نموده‌اند (متین دفتری، دکتر احمد، آئین دادرسی مدنی، تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۴۲، جلد دوم، ش. ۱۶۹، ص. ۱۹۹)، که مورد پذیرش برخی حقوقدانان نیز قرار گرفته است (آشوری، دکتر محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۷۶، جلد اول، ص. ۲۰) و یکی از حقوقدانان نیز، علی‌الظاهر، آن را تدافعی ترجمه نموده است (آخوندی، دکتر محمود، آیین دادرسی کیفری، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ پنجم، سال ۱۳۷۲، جلد اول، ص. ۶۸۰). به نظر ما مناسب‌ترین معادل فارسی واژه مزبور، تناظر می‌باشد که از جمله به معنی با هم بحث و مجادله کردن آمده است. (معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، سال ۱۳۶۰، جلد اول، ص. ۱۱۴۶). در حقیقت، ترافعی معادل واژه Contentieux در زبان فرانسه است که در مقابل حسبی (Gracieux) قرار می‌گیرد. بنابراین واژه تناظر، به نظر ما، دقیق‌ترین معادل واژه فرانسوی مزبور است و بر این اساس، در جزوه دوره دکترای حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش. ۲۰، ص. ۴، نیمسال اول ۷۹ - ۱۳۷۸ برای اولین بار بکار گرفته شد.

3. Couchez, Gérard, Langlade, Jean - Pierre et Lebeau, Daniel, Procédure civile, Dalloz, Paris, 1998, n. 288, p.122; Motuisky, Henri, Écrits, Dalloz, Paris, 1973, n. 12, p. 68; Vincent, Jean et Guinchard, Serge, Procédure civile, Dalloz, Paris, 23^e, 1994, n. 608, p. 413.

مبنای اصل تناظر، توجه به این اصل در تدوین مقررات آئین دادرسی مدنی ملاحظه خواهد شد.

مبحث اول - مفهوم، منشأ و دامنه اصل تناظر

بند اول - مفهوم اصل تناظر

تناظر در لغت از جمله به معنی «با هم بحث و مجادله کردن»^۴ و «مقابله نمودن»^۵ آمده است. مفهوم حقوقی واژه، آنچه مورد نظر ما است، از معنی لغوی آن چندان دور نمی‌باشد. دعوا، در دادگستری، همواره از برخورد ادعاها به وجود می‌آید. هر دعوا به طرف نتیجه‌ای سوق داده می‌شود که «موضوع» دعوا نامیده می‌شود. مدعی، به مفهوم اعم، به منظور کسب نتیجه مطلوب، علی‌القاعده، باید مبنایی را حسب مورد برای دعوا یا دفاع خود اعلام و معرفی نماید که «سبب» دعوا یا دفاع خوانده می‌شود. در اثبات موضوع و سبب مزبور، مدعی، علی‌الاصول، مطالبی را اظهار می‌دارد و به ادله‌ای متمسک می‌گردد تا ماهیت (ادله اثبات دعوا) یا، عندالاقضاء، حکم (ادله اثبات احکام) را اثبات نماید. وظیفه قاضی است که، در تمام مواردی که اختلافی را فصل می‌نماید، حق را از باطل تشخیص داده و اقدام به صدور رأی نماید. رأی دادگاه، به همان نسبت که به «حق» نزدیک می‌شود مطبوع طبع انسان قرار می‌گیرد.

۴. معین، دکتر محمد، مأخذ پیشین.

۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، ۱۳۷۲، جلد چهارم، ص. ۶۱۳۸.

توفیق قاضی در اقدام مزبور و کسب نتیجه مطلوب منوط به این است که از ادعاها، ادله و استدلالات هر یک از متخاصمین مطلع گردد و این امر مستلزم این است که طرفین نزاع و اختلاف در موقعیتی قرار گیرند که فرصت و امکان طرح آزادانه ادعاها، ادله و استدلالات خود را داشته و از ادعاها، ادله و استدلالات رقیب مطلع شده تا بتوانند آنها را آزادانه مورد مناقشه قرار دهند. در حقیقت، قضاوت، انتخاب نمودن بین ادعاهای متعارض است و این وظیفه در صورتی می‌تواند به نحو مطلوب انجام شود که قاضی از ادعاها و ادله صاحبان آن، که در شرایط متوازن به او تسلیم نموده اند، بطور کامل آگاه گردد. این همان چیزی است که در حقوق خصوصی و عمومی فرانسه *principe de contradiction* یا *Principe du contradictoire* گفته می‌شود و ما آن را اصل تناظر می‌گوییم.

بنابر اصل مزبور، که اصل تناظر خوانده شد، قاضی، در حقوق ایران، حکم خود را منحصراً باید بر پایه ماهیاتی استوار نماید که، به شرح مزبور، اصحاب دعوا متناظراً مطرح نموده باشند.

بعضی از حقوق‌دانان فرانسوی، اصل را «اصل احترام حقوق دفاع» می‌دانند و تناظر را منحصراً اجرای اصل مزبور قلمداد می‌کنند، اما در عین حال، تأکید می‌نمایند که حقوق دفاع، در دادرسی مدنی، فقط به خواننده معطوف نمی‌گردد (علیرغم این که در مسائل کیفری عبارت حقوق دفاعی به حقوق متهم انصراف دارد) بلکه واژه مزبور باید در مفهوم اعم به کار گرفته شود که آن حقوق دفاع هریک از اصحاب دعوا است.^۶

6. Vincent, Jean et ..., op. cit., n. 609, p. 413. et Motulsky, Henri, op. cit., n. 12, p. 68.

بند دوم - منشاء اصل تناظر

اصل تناظر (احترام حقوق دفاع) را بعضی از حقوقدانان و فلاسفه یکی از داده‌های حقوق طبیعی معرفی نموده‌اند.^۷

این تفکر که اصحاب دعوا باید در موقعیتی مساوی و برابر قرار داده شوند همواره نظریه پردازان را مسحور نموده است؛ مساواتی که از جمله بر نماد ترازو حاکم است که همواره دو کفه آن، در شرایط عادی، متوازن و هم سطح می‌باشند. «عقل سلیم» و «طبیعت اشیاء» مساوات موقعیت اصحاب دعوا در مقابل قاضی و اصل تناظر را که بر پایه آن است تحمیل می‌نماید.^۸ در این جا مناسب است سابقه اصل مزبور، تحت عنوان یاد شده، یا عناوین مشابه، در نظام‌های حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

الف - اصل تناظر در حقوق فرانسه

اصل تناظر، که آن را احترام حقوق دفاع نیز گفته‌اند، همواره، از سوی علمای حقوق فرانسه، اجماعاً به عنوان اصلی («بنیادین»، «تغییر ناپذیر»)^۹ و «تشکیل دهنده تضمین لازم برای قضای شایسته»^{۱۰} معرفی می‌گردید. اما در حکومت قانون قدیم آئین دادرسی مدنی فرانسه

7. del Vecchio, La Justice-La Vérité, Cité par Motulsky, Henri, op. cit., n. 9, p. 66.

8. Motulsky, Henri, op. cit., n. 10, p. 66.

9. Morel, Tr. élém. de pr. Civ., 2^e éd., n. 426 et cornu et Foyer, procédure civile, p. 373, Cité par Motulsky, Henri, op. cit., n. 10, p. 66.

10. Motulsky, Henri, op. cit., n. 10, pp. 66-67 et vizioz, Henry, Etudes de Procédure, Biere, Bordeaux, 1956, n. 240, p. 449.

(۱۸۰۷ تا ۱۹۷۵) در هیچ‌یک از نصوص قانونی احترام به حقوق دفاع، در دادرسی مدنی تصریح نشده بود.^{۱۱}

در عین حال از سال ۱۸۲۸، دیوان عالی کشور فرانسه اعلام می‌نماید: «نظر به این که دفاع حق طبیعی است فقط کسی می‌تواند محکوم گردد که قبلاً اظهارات او شنیده شده و یا بدین منظور از او دعوت شده باشد».^{۱۲} از آن پس آراء متعددی از دیوان عالی کشور فرانسه، در حکومت قانون قدیم آئین دادرسی مدنی فرانسه، صادر شد که مرجع عالی مزبور، با تمسک به اصل «احترام حقوق دفاع» یا اصل «تناظر آزاد»، آراء دادگاه‌های تالی را نقض می‌نمود.^{۱۳} با استناد به چنین آرای ادعا شد که یکی از قواعد حقوق طبیعی وارد حقوق موضوعه فرانسه گردیده است؛ زیرا چنانچه اصلی در آراء دیوان عالی کشور مبنای استدلال و نقض رأی فرجام خواسته قرار گیرد، محاکم از آن پس مکلف به رعایت آن می‌باشند در غیر این صورت رأی آنها در معرض نقض مرجع عالی مزبور قرار خواهد گرفت.

مدونین قانون جدید آئین دادرسی مدنی فرانسه، اصل تناظر را که دکترین و رویه قضایی، از قرن نوزدهم، در امور مدنی، استخراج کرده بود، در مواد ۱۴ تا ۱۷، تحت عنوان مزبور، تدوین و مفهوم و محدوده آن را، به‌طور کلی، مشخص نمودند.^{۱۴}

۱۱. اعلامیه حقوق بشر نیز ناظر به دفاع در امور کیفری است: «هیچ‌کس بی‌آن‌که استماع یا دعوت شده‌باشد نمی‌تواند (به مجازات) محکوم گردد». Motulsky, Henri, op. cit., n. 10, p. 66.

۱۲. Civ. 7 Mai 1828, s., 1. 329, Cité par Motulsky, Henri, op. cit., n. 10, p. 67.

۱۳. Voir Motulsky, Henri, op. cit., n. 10, p. 67.

۱۴. «هیچ‌یک از اصحاب دعوا نمی‌تواند مورد قضاوت قرار گیرد مگر این‌که مورد استماع قرار گرفته و یا دعوت شده باشد» (ماده ۱۴ ق.ج.آ.د.م.ف.).

ب - اصل تناظر در حقوق ایران

با بررسی تاریخ ایران باستان به دست می‌آید که مفهوم اصل تناظر، به نحوی که تبیین گردید، در نظام قضایی ایران در دادرسی‌ها مورد توجه بوده است. در حقیقت، در دعاوی و شکایات علیه شاه نیز، وی، در بار عامی که هر سال به قضاوت موبد موبدان ترتیب می‌داد، در حضور مدعی، تاج از سر بر می‌گرفت، تا موقعیتی برابر با مدعی پیدا نموده و تساوی موقعیت طرفین، در نزد قاضی، تأمین گردد و موبد موبدان، پس از استماع ادعاها و ادله خواهان و خوانده (شاه) اقدام به صدور رأی می‌نمود و البته شاه، چنانچه محکوم می‌گردید، در صورتی تاج را مجدداً بر سر می‌گذاشت که حکم را اجرا نموده باشد.^{۱۵}

ج - اصل تناظر در فقه

در فقه نیز اصل تناظر، به مفهومی که بیان شد، از اصول اولیه در محاکمه و رسیدگی قضایی محسوب می‌شود. شاید گویاترین دلیل در این

« اصحاب دعوا مکلفند در وقت لازم جهات موضوعی را که براساس آنها ادعاهای خود را بنا نهاده اند، عناصر دلیلی را که تهیه نموده‌اند و جهات حکمی را که مورد استناد قرار داده‌اند، متقابلاً، در این جهت که هریک بتواند دفاع خود را تدارک نماید، به اطلاع یکدیگر برسانند » (ماده ۱۵ ق.ج.آ.د.م.ف.).

« قاضی مکلف است در تمام شرایط موجب رعایت اصل تناظر گردیده و خود او نیز آن را رعایت نماید. قاضی در صورتی می‌تواند، در تصمیم خود، جهات، توضیحات و مدارک مورد استناد یا تهیه شده توسط اصحاب دعوا را لحاظ نماید که اصحاب دعوا توانسته باشند متناظراً آنها را مورد مناقشه قرار دهند. قاضی نمی‌تواند تصمیم خود را براساس جهات حکمی که رأساً استخراج نموده بنا نهد مگر این که اصحاب دعوا را در جهت ارائه ملاحظات آنها قبلاً دعوت نموده باشد ». (ماده ۱۶ ق.ج.آ.د.م.ف.).

« زمانی که به حکم قانون و یا ضرورت ترتیبی بدون اطلاع یکی از اصحاب دعوا مورد دستور قرار می‌گیرد، او طریق شکایت مخصوص را نسبت به تصمیمی که به ضرر او اتخاذ گردیده دارا می‌باشد ». (ماده ۱۷ ق.ج.آ.د.م.ف.).

۱۵. صانعی، دکتر پرویز، ترجمه مقدمه ماتیگان هزار دادستان، مجله حقوق مردم، شماره ۲۶، ص. ۴۱.

خصوص حدیثی از امام محمدباقر (ع) است که فرموده‌اند: «اذا تقاضی الیک رجلاً فلا تقض للاول حتی تسمع من الآخر...» «هرگاه دو نفر برای قضاوت به شما مراجعه نمودند تا دفاع دیگری را نشنیده‌اید به نفع اولی قضاوت (حکم) نکنید ...»^{۱۶}.

اگرچه حدیث مزبور و احادیثی مشابه آن را عده‌ای از فقهاء در تبیین عدم جواز صدور حکم غیابی مورد استناد قرار داده‌اند، اما حدیث مزبور بدین معنی است که «قاضی نباید بدون استماع اظهارات طرفین و رسیدگی به دلایل آنها حکم نهایی صادر نماید»^{۱۷}. بنابراین، مفهوم اصل تناظر در نظام قضایی اسلام نیز مورد عنایت بوده است.

در هیچ یک از دو قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری (ق.ا.م.ح.) و قانون آئین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ شمسی (ق.ق.) اصل تناظر، تحت این عنوان یا عنوانی مشابه، بالصراحه منصوص نگردیده بود. در قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ (ق.ج.) نیز، هیچ نصی به این اصل اختصاص نیافته است. در عین حال، به طوری که خواهیم دید، با بررسی مقررات مزبور و آراء دیوان عالی کشور ایران، به دست می‌آید که مفهوم اصل تناظر و ضرورت رعایت آن همواره مورد توجه قانونگذار ایران و دیوان عالی کشور و سایر مراجع بوده و مواد متعددی از قانون آ.د.م. زمینه و ضرورت اجرای آن را پیش‌بینی و تضمین نموده‌اند.

۱۶. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص. ۱۵۸، حدیث ۶ به نقل از محقق داماد، دکتر سید مصطفی، قواعد فقه (۳) بخش قضایی، انتشارات علوم اسلامی، تهران چاپ اول، سال ۱۳۷۷، صص. ۲۳۶-۲۳۷.
۱۷. همان.

بند سوم - دامنه اصل تناظر

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا اصل تناظر منحصرأ در مراجع قضایی می‌بایست مورد احترام قرار گیرد یا در تمامی مراجع قضاوتی^{۱۸} باید رعایت شود. با توجه به منشأ و مبنای اصل تناظر، این اصل در کلیه مراجع قضاوتی اعم از قضایی، اداری^{۱۹} و انتظامی باید مورد احترام قرار گیرد و قانونگذار به نحوی اجرای آن را تضمین نموده است. از سوی دیگر تفاوتی بین مراجع عمومی و مراجع استثنایی^{۲۰} در این خصوص وجود ندارد و بنابراین اصل تناظر حتی در مراجع قضاوتی غیر دادگستری^{۲۱} می‌بایست رعایت^{۲۲} شود. اصل تناظر نه تنها در مرحله بدوی بلکه در مراحل شکایت از رأی نیز باید مورد احترام قرار گیرد.^{۲۳} در عین حال، احترام به

۱۸. شمس، دکتر عبدالله، آئین دادرسی مدنی، انتشارات میزان، تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۸۱، جلد اول، شماره ۱۹ به بعد، ص. ۴۹ به بعد.

۱۹. جهت ملاحظه رعایت اصل تناظر در دیوان عدالت اداری، نک. منبع پیشین، شماره‌های ۲۰۰ و ۲۰۷، صص ۱۵۲ و ۱۵۴.

۲۰. نک. منبع پیشین، شماره ۸۰ به بعد، ص. ۹۴ به بعد.

۲۱. نک. منبع پیشین، شماره‌های ۸۹، ۹۶، ۹۹ و ۹۸، صص. ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳.

۲۲. «عدم جواز اجراء هیچ حکم یا قراری بدون ابلاغ به طرف ... در همه محاکم ولو محاکم فوق‌العاده و یا اختصاصی جاری است بنابراین اجرای قرار معاینه محل بدون این که آن را به مدعی علیه ابلاغ و یا او را از موقع معاینه محل مستحضر سازند، تخلف است» حکم شماره ۴۳۴۷ - ۲۷/۵/۳۰، شهیدی، موسی، منبع پیشین، ص ۹۰.

۲۳. نک. از جمله ملاک مواد ۳۵۶ و ۴۲۰ ق.ج.آ.د.م. و همچنین آراء ذیل که در همین مورد است، «اگر دادگاه پژوهشی بدون این که دادخواست پژوهشی و پیوست‌های آن به پژوهش‌خوانده ابلاغ شده باشد رسیدگی نماید چون مشارالیه از طرفیت در دادرسی بی خبر بوده رسیدگی دادگاه مزبور برخلاف اصول و مقررات قانونی خواهد بود» حکم شماره ۲۷۱۸ - ۱۹/۸/۳۰ شعبه ۳ دیوان عالی کشور، متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، ص. ۲۳۱.

«... قبل از تشکیل جلسه رسیدگی باید روز و ساعت رسیدگی مطابق مقررات به طرفین ابلاغ شده باشد بنابراین اگر دادگاه قبل از ابلاغ وقت به پژوهش‌خوانده مبادرت به صدور حکم نماید چنین حکمی قسانونی نخواهد بود» حکم شماره ۷/۳۳۱، ۲۰/۸/۲۹ شعبه ۳ دیوان عالی کشور، منبع پیشین، ص. ۲۳۳.

این اصل در دادرسی‌های ترافیکی پیش‌بینی و تضمین شده است و در امور حسبی در مواردی است که قانونگذار تصریح نموده باشد.

مبحث دوم - اصل تناظر در قانون آیین دادرسی مدنی

همانطور که گفته شد، اصل تناظر، تحت عنوان مزبور یا عنوانی مشابه، در هیچ یک از نصوص پیش‌بینی نشده است. در عین حال، صدر و بند ۳ ماده ۳۷۱ ق.ج.آ.د.م. مقرر می‌دارد: «عدم رعایت اصول دادرسی و حقوق اصحاب دعوا در صورتی که به درجه‌ای از اهمیت باشد که رأی را از اعتبار قانونی بیندازد» موجب نقض رأی فرجام خواسته خواهد گردید.^{۲۴} ماده مزبور در «فصل» فرجام خواهی تدوین گردیده است اما توجه به آن در مقام رسیدگی به سایر طرق شکایت از آراء مانند تجدید نظر خواهی نیز الزامی است. در حقیقت، چنانچه رأیی بدون رعایت اصول دادرسی و حقوق اصحاب دعوا صادر شده باشد، در هر مرحله‌ای که باشد، و عدم رعایت مزبور به آن درجه از اهمیت باشد که در بند ۳ ماده ۳۷۱ ق.ج.آ.د.م. تصریح گردیده، می‌بایست در مرجع عالی، در پی شکایت از آن، نقض یا فسخ گردد و منحصر نمودن این امر به آراء قابل فرجام ترجیح بلامرجح است.

۲۴. نص مزبور از صدر و بند ۳ ماده ۵۶۶ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری (با توجه به اصلاحات بعدی) و نیز بند ۳ ماده ۵۵۹ ق.ج.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ اخذ گردیده است.

با تدقیق در مقررات قانون آیین دادرسی مدنی به روشنی احراز می‌گردد که برخی از مواد آن بر مبنای اصل تناظر و در جهت تضمین رعایت این اصل تنظیم گردیده است. پس می‌توان گفت در حقوق ایران نیز تناظر اصلی است که همواره جز در مواردی که استثناء شده، می‌بایست «بلافاصله» رعایت گردد. در عین حال در مواردی استثنایی، قانون یا ضرورت، انجام اقداماتی بدون اطلاع یکی از اصحاب دعوا و بنابراین عدم رعایت «بلافاصله» اصل تناظر را الزامی یا مجاز می‌نماید. اما در چنین مواردی نیز فراهم نمودن زمینه رعایت «بعدی» اصل تناظر، به نحوی که خواهیم دید، الزامی است. پس از بررسی مقرراتی که اجرای «بلافاصله» اصل تناظر را تضمین می‌نماید موارد استثناء مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بند اول - اصل

قاضی، قبل از صدور رأی، باید هریک از طرفین را در موقعیتی قرار دهد که بتوانند ادعاها، ادله و استدلالات خود را مطرح نموده و ادعاها و ادله و استدلالات رقیب را مورد مناقشه قرار دهد، یا به عبارت دیگر، اصل تناظر در دادرسی‌ها باید «بلافاصله» رعایت گردد. با بررسی مقررات مربوطه قانون آیین دادرسی مدنی به سهولت احراز می‌گردد که رعایت تناظر اصل است و بنابراین، جز در مواردی که خلاف آن تصریح گردیده، باید «بلافاصله» مورد احترام قرار گیرد. اصل تناظر می‌بایست رعایت گردد تا هریک از اصحاب دعوا از فرصت و امکان مزبور بهره‌مند گردیده و حتی بر جریان رسیدگی به ادله و اجرای ترتیباتی مانند قرار تحقیق و

معاینه محل نیز نظارت نمایند. بنابراین خواهان در تنظیم دادخواست، خوانده در دفاع و دادگاه در مقام رسیدگی و صدور رأی باید همواره اصل تناظر را، علی‌القاعده، «بلافاصله» مورد احترام قرار دهند.

الف - خواهان و رعایت اصل تناظر

ماده ۴۸ ق.ج.آ.د.م. شروع رسیدگی در دادگاه را مستلزم تقدیم دادخواست اعلام و ماده ۵۱ به بعد همان قانون نیز شرایط دادخواست و ضمانت اجرای آنها را پیش‌بینی نموده است.^{۲۵}

نظر به این که زبان رسمی ایران فارسی است (اصل ۱۵ ق.ا.) دادخواست باید به زبان فارسی تنظیم گردد^{۲۶} و تمامی پیوست‌های آن نیز باید به زبان فارسی باشد و حتی در مواردی که اسناد مورد استناد به زبان فارسی نباشد، ترجمه گواهی شده آنها نیز، باید پیوست دادخواست شود،^{۲۷} تا از جمله، خوانده که معمولاً ایرانی است بتواند با ملاحظه آن به سهولت از عناصر و جزئیات دعوا مطلع گردد و دفاع خود را تدارک نماید. خواهان باید در دادخواست، علاوه بر این که خود را بطور کامل معرفی می‌نماید (نام، نام خانوادگی، نام پدر و ...) مشخصات خوانده را نیز تصریح کند.^{۲۸} تا از جمله خوانده در موقعیتی قرارگیرد تا بتواند طرح ایراداتی مانند ایراد

۲۵. در مواد ۱۸۶ به بعد قانون اصول محاکمات حقوقی و مواد ۷۰ به بعد ق.ج.آ.د.م. نیز لزوم تقدیم دادخواست، شرایط و ضمانت اجرای آنها پیش‌بینی شده بود.

۲۶. ماده ۱۹۰ ق.ا.م.ح. ماده ۷۱ ق.ج.آ.د.م. و صدر ماده ۵۱ ق.ج.آ.د.م.

۲۷. ماده ۱۹۰ ق.ا.م.ح. ماده ۷۱ ق.ج.آ.د.م. و ماده ۵۸ ق.ج.آ.د.م.

۲۸. بند ۱ ماده ۲۱ ق.ا.م.ح. بند ۱ و ۲ ماده ۷۱ ق.ج.آ.د.م. و بند ۱ و ۲ ماده ۵۱ ق.ج.آ.د.م.

بی‌نفعی خواهان^{۲۹} و ایراد عدم توجه دعوا به خواننده^{۳۰} را به عنوان دفاع مورد بررسی قرار دهد.

خواهان مکلف است، در دادخواست، خواسته را تعیین و بهای آن را، عندالاقضاء، مشخص و آنچه را که از دادگاه درخواست دارد تصریح نماید.^{۳۱} این امر خواننده را در موقعیتی قرار می‌دهد که نه تنها اصل استحقاق خواهان و یا میزان آن را، عندالاقضاء، مورد مناقشه قرار دهد بلکه با تمسک احتمالی به اعتراض به بهای خواسته^{۳۲} زمینه تجدید نظر یا فرجامی که خواهان، از این طریق در صدد بستن راه آن بوده است، را باز نماید تا امکان طرح دفاعیات خود و مورد مناقشه قرار دادن ادعاها و براهین رقیب را در مراجع عالی، به نحو مقتضی، فراهم آورد.

اسباب و جهاتی که خواهان براساس آنها خود را مستحق مطالبه می‌داند، باید، بطوری که مقصود واضح و روشن باشد، در دادخواست تصریح شود و ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعاهای خود دارد، اعم از اسناد، نوشته‌ها، اطلاع‌مطلعين و غیره، باید به ترتیب و روشن در دادخواست نوشته شود و اسامی و مشخصات گواهانی که خواهان به گواهی آنها استناد می‌نماید و محل اقامت آنان باید بطور صحیح معین شده^{۳۳} و رونوشت و تصویر گواهی شده اسناد و نوشته‌های مورد استناد پیوست دادخواست شود.^{۳۴} انجام موارد مذکور مسلماً از جمله، خواننده را در موقعیتی

۲۹. بند ۴ ماده ۳۶۴ ق.ا.م.ح، ماده ۲ ق.ق.آ.د.م. و ماده ۲ و بند ۱۰ ماده ۸۴ ق.ج.آ.د.م.

۳۰. بند ۳ ماده ۳۶۴ ق.ا.م.ح، بند ۲ ماده ۱۹۸ ق.ق.آ.د.م. و بند ۴ ماده ۸۴ ق.ج.آ.د.م.

۳۱. بند ۳ و ۵ ماده ۱۸۶ ق.ا.م.ح، بند ۳ و ۵ ماده ۷۱ ق.ق.آ.د.م. و بند ۳ و ۵ ماده ۵۱ ق.ج.آ.د.م.

۳۲. ماده ۱۹۹ ق.ا.م.ح، ماده ۸۷ و ۸۸ ق.ق.آ.د.م. و بند ۴ ماده ۶۲ و ماده ۶۳ ق.ج.آ.د.م.

۳۳. بند ۴ ماده ۱۸۶ ق.ا.م.ح، بند ۴ و ۶ ماده ۷۲ ق.ق.آ.د.م. و بند ۴ و ۶ ماده ۵۱ ق.ج.آ.د.م.

۳۴. ماده ۱۹۱ ق.ا.م.ح، ماده ۷۶ ق.ق.آ.د.م. و ماده ۵۷ ق.ج.آ.د.م.

قرار می‌دهد که بتواند ادعاها و براهین خواهان را مورد مناقشه قرار داده و دفاعیات خود را نیز، با لحاظ آنها، تهیه و تدارک نماید.

قانونگذار، در احترام به اصل تناظر، ضمانت اجرای شرایط مزبور را به کیفیتی پیش‌بینی نموده^{۳۵} که عدم رعایت آنها فوراً یا نهایتاً موجب رد دادخواست شده و دخالت قاضی در رسیدگی به دعوای خواهان و در نتیجه ضرورت دفاع خوانده منتفی گردیده و خواهان در پرونده مطروحه با شکست مواجه می‌شود.

احترام به اصل تناظر از سوی خواهان، به ترتیب یاد شده، نه تنها در مرحله بدوی بلکه در مرحله تجدید نظر (مواد ۳۳۹ به بعد ق.ج.آ.د.م.) در فرجامخواهی (مواد ۳۷۹ به بعد ق.ج.آ.د.م.) و سایر طرق شکایت نیز از سوی شکایت کننده از رأی، به طور کلی الزامی است (مواد ۴۲۰، ۴۳۳، و ۴۳۵ ق.ج.آ.د.م.).

ب - خوانده و رعایت اصل تناظر

دفتر دادگاه، پس از دستور دادگاه دایر به ابلاغ اوراق دعوا، یک نسخه از دادخواست و پیوست‌های آن را، با اختاریه دعوت به جلسه دادرسی که حاوی تاریخ و روز و ساعت جلسه می‌باشد، جهت ابلاغ به خوانده ارسال می‌دارد.^{۳۶} خوانده پس از اطلاع از وقت جلسه نیز می‌تواند در جلسه دادرسی حضور یافته یا لایحه ارسال دارد (ماده ۹۳ ق.ج.آ.د.م.).

۳۵. مواد ۱۹۵-۱۹۳ ق.ا.م.ج، مواد ۸۵-۸۳ ق.ق.آ.د.م. و مواد ۵۳، ۵۴ و ۵۶ ق.ج.آ.د.م.

۳۶. ماده ۲۰۰ ق.ا.م.ج، ماده ۱۴۴ ق.ق.آ.د.م. و ماده ۶۷ ق.ج.آ.د.م.

در هر حال خواننده باید اصل و رونوشت اسنادی را که می‌خواهد به آنها استناد نماید در جلسه دادرسی مقرر حاضر نماید. رونوشت اسناد باید به تعداد خواهان‌ها به علاوه یک نسخه باشد. البته، در صورتی که خواننده به واسطه کافی نبودن مدت بین ابلاغ دادخواست و روز جلسه نتواند اسناد خود را حاضر نماید می‌تواند تأخیر جلسه را درخواست نماید، دادگاه چنانچه درخواست او را مقرون به صحت دانست با تعیین جلسه خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می‌نماید (ماده ۹۶ ق.ج.آ.د.م.).

خواننده، از سوی دیگر، چنانچه مایل به طرح ایراد باشد باید، علی‌الاصول، ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا، در همان جلسه اول، به این امر اقدام نماید (ماده ۸۴ ق.ج.آ.د.م.). خواننده هرگونه مطلبی که در مقام دفاع در برابر دعوای خواهان لازم می‌داند در جلسه دادگاه اظهار می‌نماید. (ماده ۱۰۲ ق.ج.آ.د.م.). خواننده علاوه بر این می‌تواند دعوای متقابل اقامه (مواد ۱۴۱ تا ۱۴۳ ق.ج.آ.د.م.) و یا ثالثی را جلب نماید (ماده ۱۳۵ ق.ج.آ.د.م.).^{۳۷}

بنابراین، همانطور که ملاحظه می‌شود، خواننده نه تنها حق دارد به ادعاها و براهین خواهان پاسخ دهد بلکه چنانچه پاسخ مستلزم طرح ادعاها، ادله و استدلال‌ات باشد، مکلف است، در اجرای اصل تناظر، این اقدام را در جلسه دادرسی، یعنی علی‌القاعده، در حضور خواهان معمول دارد. در نتیجه خواهان نیز از پاسخ خواننده مطلع گردیده و او نیز خواهد توانست، آنها را به نحو مقتضی، مورد مناقشه قرار داده و از حق دفاع بهره‌مند گردد.

۳۷. قواعد مزبور، به نحوی، در ق.ا.م.ح. و ق.ق.آ.د.م. نیز پیش بینی شده بود.

ج - دادگاه و رعایت اصل تناظر

اول - اصل تناظر و تعیین جلسه دادرسی

قاضی، نیز مکلف است، تناظر را رعایت نماید. در حقیقت، پس از تقدیم دادخواست، چنانچه تکمیل باشد یا تکمیل شود، مدیر دفتر آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار می‌دهد. دادگاه باید پرونده را ملاحظه نموده و با اطمینان از تکمیل بودن، آن را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده نماید تا وقت دادرسی (ساعت، روز، ماه و سال) تعیین (ماده ۶۴ ق.ج.آ.د.م.) و به خواهان و همچنین همراه با دادخواست و ضمائم آن به خوانده نیز ابلاغ شود (ماده ۶۷ ق.ج.آ.د.م.). بدین ترتیب، قاضی مکلف است، در اجرای اصل تناظر، برابر مقررات مزبور، خوانده را از دعوی که علیه او به راه افتاده مطلع نماید.^{۳۸} تشکیل جلسه مقرر در صورتی قانونی خواهد بود که اصحاب دعوا یا وکلای آنها حاضر، یا صحت ابلاغ محرز بوده و یا دادگاه اطلاع آنها را احراز نماید.^{۳۹}

۳۸. «... دادخواست و برگهای پیوست آن به موجب مواد ۲۵ و ۲۷ قانون سابق و ماده ۹۰ قانون (قدیم) آیین دادرسی مدنی می‌بایست توسط مأمور ابلاغ با قید تاریخ به خوانده یا جانشین او که در قانون معرفی شده تبلیغ و تسلیم گردد... چه مقصود از ابلاغ دادخواست و منضمات... آن است که خوانده... از اقامه دعوی و دلایل آن بطور تفصیل مطلع شده... تا از مدافعه دعوی متمکن...» گردد، حکم شماره ۱۲۱۰ - ۱۹/۴/۲۷ شعبه ۱ و ۴۰۸ - ۲۶/۱/۳۱ شعبه ۸ و ۱۱۵۴ - ۲۷/۸/۲ شعبه ۴ و ۶۱۹ - ۲۷/۴/۲۲ شعبه ۸ دیوان عالی کشور، متین، احمد، منبع پیشین، صص. ۴-۳.

۳۹. ماده ۳۳ لایحه قانونی تشکیل دادگاه عمومی مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب. همچنین آراء ذیل در ارتباط با موضوع است:

«عدم ابلاغ وقت دادرسی به مدعی خصوصی که در موعد مقرر دادخواست داده باشد موجب تجدید جلسه دادرسی است»، نظریه شماره ۷/۱۲۱۴ - ۵۸/۲/۱۴، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل مدنی از سال ۵۸ به بعد، شهری، غلامرضا و حسین آبادی، امیر، انتشارات روزنامه رسمی، ص. ۶.

در اجرای اصل تناظر، همانطور که گفته شد، خواننده باید فرصت و امکان دفاع در برابر دعوای خواهان را داشته باشد و این امر نه تنها مستلزم این است که خواننده از ادعاهای و براهین خواهان مطلع شود بلکه فرصت و امکان تهیه و تدارک دفاع را نیز داشته باشد. در همین جهت، چنانچه نشانی طرفین دعوا در ایران باشد، وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد و در مواردی که ابلاغ وقت از طریق روزنامه آگهی می‌شود، فرصت مزبور یکماه از تاریخ آگهی (ماده ۷۳ ق.ج.آ.د.م.) و چنانچه نشانی طرفین یا یکی از آنها در خارج کشور باشد فاصله روز ابلاغ تا جلسه دادرسی کمتر از دو ماه نخواهد بود (ماده ۶۴ ق.ج.آ.د.م.). فرض این است که فرصت‌های مزبور برای تهیه و تدارک دفاع کافی است؛ در عین حال، همان‌طور که گفته شد، خواننده می‌تواند، جهت تهیه اسنادی که به علت کمی مدت امکان حاضر نمودن آنها را نداشته استمهال نماید. خواهان نیز می‌تواند، چنانچه دفاع از دلایلی که خواننده تا پایان اولین جلسه اقامه می‌نماید مستلزم ارائه اسناد جدید باشد از دادگاه تقاضای مهلت کند. دادگاه در هر دو مورد، در احترام به اصل تناظر، باید درخواست‌های مزبور را مورد بررسی قرار داده و

«اگر دادگاه قبل از وقتی که برای رسیدگی تعیین کرده بود مبادرت به صدور حکم نماید حکم صادر نقض خواهد شد»، حکم شماره ۱۹۴۶ - ۲۸/۱۱/۱۲ شعبه ۶ دیوان عالی کشور، متین، احمد، منبع پیشین، ص. ۲۲۸.

«... قبل از تعیین جلسه رسیدگی و احضار مدعی علیه و تخلف او از حضور اقدام محکمه به صدور حکم غیابی موجب قانونی نداشته (و تخلف) است، حکم شماره ۱۰۶۳ - ۱۳۱۱/۲/۲۴، محکمه عالی انتظامی قضات، شهیدی، موسی، موازین قضایی (حقوقی - جزایی - اداری) محکمه عالی انتظامی از نظر تخلف اداری، کتابفروشی محمد علی علمی، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۴۰، ص. ۱۶۹.

در صورتی که آنها را مقرون به صحت تشخیص دهد مهلت کافی به درخواست کننده اعطاء نماید (مواد ۹۶ و ۹۷ ق.ج.آ.د.م.).

دادگاه نه تنها وقت اولین جلسه دادرسی را باید به اطلاع اصحاب دعوا برساند بلکه در هر مورد که به جهت قانونی جلسه دیگری لازم باشد، علت مزبور ذیل صورت جلسه دادرسی قید و روز و ساعت جلسه بعد تعیین و به اصحاب دعوا ابلاغ خواهد شد (ماده ۱۰۴ ق.ج.آ.د.م.).

دادگاه مکلف است، در اجرای اصل تناظر، در جلسه دادرسی به اصحاب دعوا فرصت دهد تا مطالب خود را آزادانه اظهار نمایند و، حسب مورد، مضمون یا عین اظهارات آنها را در صورتجلسه دادرسی درج نماید (ماده ۱۰۲ ق.ج.آ.د.م.). بنابراین پرونده دادرسی، همواره حاوی تمام ادعاها، ادله و استدلالات اصحاب دعوا خواهد بود و دادگاه، در نتیجه، در موقعیتی قرار می گیرد که اعمال خود را با لحاظ آنها صادر نماید و مراجع شکایت نیز، خواهند توانست، با توجه به تمام عناصری که در پرونده وجود دارد، صحیح و قانونی بودن رأی صادره را، چنانچه مورد شکایت قرار گیرد، با لحاظ استنادات و استدلالات مندرج در رأی، بررسی نمایند.

دوم - اصل تناظر و تغییر در خواسته یا نحوه دعوی

خواهان به موجب ماده ۹۸ ق.ج.آ.د.م. می تواند، تا پایان اولین جلسه دادرسی، خواسته را افزایش داده و نیز نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست را تغییر دهد. البته تغییرات مزبور در صورتی امکان پذیر است که با دعوای اقامه شده مربوط بوده و منشاء واحدی داشته باشد.^{۴۰} احترام به اصل تناظر

۴۰. حق خواهان در اعمال تغییرات مزبور در ماده ۱۱۷ ق.ج.آ.د.م. نیز پیش بینی شده بود.

ایجاب می‌نماید که چنانچه خواننده در اولین جلسه دادرسی حاضر نباشد و خواهان هریک از تغییرات مزبور را تا پایان جلسه اعلام نماید، دادگاه جلسه را، به منظور تدارک دفاعیات مربوطه، تجدید نموده و اخطاریه دعوت به جلسه دادرسی باید به نحوی تنظیم گردد که خواننده با ملاحظه آن در جریان تغییرات قرار گیرد.^{۴۱} در حقیقت، خواننده با توجه به دادخواست و پیوست‌های آن دفاعیات موردنظر خود را تدارک دیده و یا حتی ممکن است دفاعی را لازم ندانسته باشد و بنابراین در مقابل حقی که قانونگذار در تغییرات مورد بحث برای خواهان پیش‌بینی نموده باید برای خواننده نیز حق مطلع شدن و تدارک دفاع در برابر آنها را قائل گردید.

بدیهی است کفایت صرف اطلاع خواننده از تغییرات مزبور و تشکیل جلسه دادرسی جهت تدارک و ارائه دفاع خواننده در صورتی است که چنین تغییراتی دعوای جدید تلقی نشود، چه در غیر این صورت خواهان مکلف به تقدیم دادخواست و اقامه دعوای جدید می‌باشد.^{۴۲}

۴۱. «در صورتیکه در دادخواست بدوی خواسته خواهان کالائی با قیمت معین تعیین شده باشد و در این جلسه دادگاه که خواننده غائب بوده قیمت کالای مزبور زیادتیر تعیین گردد بایستی این موضوع به خواننده ابلاغ شود و عدم توجه به این قسمت موجب نقض حکم خواهد بود»؛ حکم شماره ۱۳۷۹ - ۲۸/۷/۲۷ شعبه ۴ دیوان عالی کشور، متین، احمد، مجموعه رویه قضائی، قسمت حقوقی، ص. ۳۳۱. «اگر خواهان در اولین جلسه دادرسی اختصاری، خواسته دعوی را تغییر دهد خواننده باید از آن مستحضر گردیده و دفاع نماید بنابراین چنانچه خواننده در جلسه رسیدگی حاضر نباشد رسیدگی دادگاه بدون اعلام تفسیر خواسته خواننده صحیح نخواهد بود» نظریه مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل مدنی، دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت دادگستری، با همکاری محمود سلجوقی و یدالله امینی، شماره ۱۳۶، ص. ۱۴۴.

۴۲. «دعوی آقای ... علیه خانم ... حسب مندرجات دادخواست عبارت است از صدور حکم تملیک اعیانی یک باب باغ مشجر ... متقابلاً خانم ... به خواسته خلع ید از (باغ) مرقوم به طرفیت آقای ... (خواهان اصلی) اقامه دعوی نموده ... و متعاقباً وکیل نامبرده (خانم ...) به عنوان افزایش خواسته خواستار استرداد لاشه اسناد مالکیت نیز گردیده است ... در خصوص درخواست خواهان دعوی تقابل

سوم - اصل تناظر و ادله

دادگاه، در تمام مواردی که موضوع بکارگیری ادله مطرح است، باید اصل تناظر را رعایت نماید. در حقیقت، به موجب ماده ۲۰۰ ق.ج.آ.د.م. رسیدگی به دلایلی که مؤثر در تصمیم دادگاه بوده و صحت آن بین طرفین مورد اختلاف باشد در جلسه دادرسی به عمل می‌آید که مانند سایر جلسات دادرسی وقت آن باید در زمان مناسب به اصحاب دعوا ابلاغ شود. حق هریک از اصحاب دعوا در مناقشه نسبت به ادله رقیب ایجاب می‌نماید که هریک از آنها امکان اطلاع از ادله طرف مقابل را پیدا نماید. بنابراین چنانچه خواهان پس از تقدیم دادخواست و خوانده پس از اولین جلسه دادرسی با اجازه دادگاه به سندی استناد نماید، دادگاه مکلف است طرف او را از آن مطلع نماید.^{۴۳} ماده ۱۹۹ ق.ج.آ.د.م. دادگاه را مکلف می‌نماید که، علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد اصحاب دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد، انجام دهد. محل و

(خانم ...) دادر به استرداد لاشه اسناد مالکیت نظر به این که طبق ماده ۱۱۷ (ق.ق.) (۹۸ ق.ج.آ.د.م.) منحصراً تقلیل یا افزایش خواسته یا تغییر نحوه خواسته یا درخواست وسیله خواهان جایز است و نظریه این که درخواست استرداد لاشه اسناد مالکیت با ابقاء دعوی سابق تغییر نحوه دعوی یا خواسته یا درخواست تلقی نمی‌شود و به علاوه درخواست اخیر ماهیتاً از نوع دعوی سابق به خواسته خلع ید محسوب نمی‌گردد تا اقامه آن افزایش خواسته محسوب گردد بلکه درخواست مذکور عنوان دعوی مستقلی است که طرح آن نیاز به تقدیم دادخواست جداگانه و اعمال مقررات قانونی مربوطه دارد لذا درخواست خواهان دعوی تقابل (خانم ...) در این خصوص، به نحو اقامه شده مردود است ...» پرونده کلاسه ۵۹۵/۶۷ و ۳۱۷/۶۸، کامیار، محمدرضا، گزیده آرای دادگاه های حقوقی، انتشارات حقوقدان، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۷، مجموعه چهارم، ص. ۳۶.

۴۳. «در جریان محاکمه بین متداعیین یکی از اصحاب دعوی سندی که مشعر بر حقانیت او باشد ابراز کرده و دادگاه قبل از آن که آن را به طرف ابلاغ و مطابق اصول نسبت به آن رسیدگی به عمل آورد مستند حکم قرار داده تخلف است» حکم شماره ۸۱۵-۱۳۰۹/۱۰/۲۵، شهیدی، موسی، منبع پیشین، ص. ۱۶۹.

تاریخ تحقیقات و اقداماتی که دادگاه، در اجرای ماده مزبور، انجام می‌دهد، نیز، باید به اصحاب دعوا اطلاع داده شود. البته در موارد مزبور عدم حضور اصحاب دعوا مانع از اجرای تحقیقات و رسیدگی نمی‌شود (ماده ۲۰۱ ق.ج.آ.د.م.). دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست هریک از اصحاب دعوا قرار معاینه محل صادر نماید. در این صورت، در اجرای اصل تناظر، موضوع قرار و وقت اجرای آن باید به طرفین ابلاغ شود (ماده ۲۴۸ ق.ج.آ.د.م.). اصحاب دعوا یا یکی از آنها می‌توانند حتی به طور کلی به اطلاعات اهل محل استناد نمایند. دادگاه، قرار تحقیق محلی صادر می‌نماید (ماده ۲۴۹ ق.ج.آ.د.م.). اما وقت و محل تحقیقات باید از قبل به طرفین اطلاع داده شود (ماده ۲۵۰ ق.ج.آ.د.م.). در صورتی که قرار تحقیق محلی به درخواست یکی از اصحاب دعوا صادر شود طرف دیگر می‌تواند در موقع تحقیقات مطلعین موردنظر خود را در محل حاضر نماید که اطلاعات آنها نیز استماع شود (ماده ۲۴۹ ق.ج.آ.د.م.).

اگرچه در حال حاضر مطلع نمودن اصحاب دعوا از وقت اجرای قرار کارشناسی، علی‌الاصول، الزامی نمی‌باشد اما نظر کارشناس باید به اصحاب دعوا ابلاغ شود تا بتوانند، عنداللزوم، آن را مورد اعتراض قرار دهند (ماده ۲۶۰ ق.ج.آ.د.م.). در مواردی نیز که صدور حکم دادگاه منوط به سوگند شرعی باشد وقت جلسه اتیان سوگند باید به طرفین ابلاغ شود.^{۴۴}

۴۴. «در مواردی که صدور حکم دادگاه منوط به سوگند شرعی می‌باشد، دادگاه به درخواست متقاضی، قرار اتیان سوگند صادر کرده و در آن، موضوع سوگند و شخصی را که باید سوگند یداد کند تعیین می‌نماید.» (ماده ۲۷۰ ق.ج.آ.د.م.) با درخواست سوگند، چنانچه طرفین حاضر نباشند، «دادگاه محل ادای سوگند، تعیین وقت نموده و طرفین را احضار می‌نماید. در احضارنامه علت حضور قید می‌گردد.» (ماده ۲۸۲ ق.ج.آ.د.م.).

بند دوم - استثنائات

در مواردی قانونگذار رعایت «بلافاصله» اصل تناظر را مخالف فلسفه وجودی تأسیس خاصی تلقی نموده و یا رعایت «بلافاصله» اصل تناظر با اصل مهم دیگری ممکن است تعارض داشته باشد. رعایت «بلافاصله» اصل مزبور در مواردی نیز امکان پذیر نمی باشد. این استثنائات ذیلاً مطالعه می شود.

الف - لزوم عدم رعایت «بلافاصله» اصل تناظر

در مواردی تضمین «بلافاصله» اصل تناظر مخالف فلسفه برخی تأسیسات خاص تلقی گردیده است. در این صورت قانونگذار دادگاه را مکلف نموده که تصمیم خود را بدون رعایت اصل مزبور اتخاذ نماید. از آن جمله می توان رسیدگی به درخواست تأمین خواسته را برشمرد. در حقیقت، فلسفه تأسیس مزبور و صدور قرار تأمین خواسته، در امنیت قرار دادن خواسته از نقل و انتقالی است که خوانده می تواند، با اطلاع از اقامه دعوا و احتمال شکست خود، نسبت به آن (در صورتی که عین معین باشد) و یا در اموال خود (در مواردی که خواسته کلی است) انجام داده و در نتیجه موجب شود که اجرای حکم قطعی که بعداً در ماهیت دعوا به نفع خواهان صادر می گردد متعذر یا متعسر شود. بنابراین فلسفه تأمین مزبور اقتضا دارد که خوانده، نه تنها از درخواست تأمین خواسته آگاه نگردد بلکه رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به درخواست خواهان نیز بدون دفاع و حتی اطلاع وی صورت پذیرد و تصمیم دادگاه علیه خوانده نوعی اثر «غافلگیری» داشته باشد. در این جهت است که ماده ۱۱۵ ق.ج.آ.د.م. مقرر

می‌دارد: «در صورتی که درخواست تأمین شده باشد مدیر دفتر مکلف است پرونده را فوری به نظر دادگاه برساند، دادگاه بدون اخطار به طرف، به دلایل درخواست کننده رسیدگی نموده، قرار تأمین صادر یا آن را رد می‌نماید».

در عین حال، در موارد مزبور حمایت از حقوق دفاع خواننده و اصل تناظر مورد غفلت قانونگذار قرار نگرفته است، بدین ترتیب که با پیش‌بینی و گشودن راه شکایت نسبت به رأیی که علیه خواننده صادر شده، مقنن به او فرصت و امکان دفاع «بعدی»، یعنی طرح ادعاها، ادله و براهین خود را داده است. در حقیقت، ماده ۱۱۶ ق.ج.آ.د.م. ابلاغ قرار تأمین خواسته به خواننده را مقرر نموده و به او حق داده است که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به قرار مزبور اعتراض نماید. در این صورت دادگاه مکلف است، اگرچه الزاماً در اولین جلسه دادرسی، به اعتراض که، علی‌القاعده، مستند به ادله و براهین خواننده است، رسیدگی نموده و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید.

ب - تجویز عدم رعایت «بلافاصله» اصل تناظر

در موارد دیگری رعایت «بلافاصله» اصل تناظر می‌تواند منافی «فوریت» تأسیس خاصی تشخیص گردد. در این صورت قانونگذار به دادگاه اجازه داده است که وجود یا عدم تنافی مزبور را مورد بررسی قرار داده و در صورتی که آن را احراز نماید از اجرای «بلافاصله» اصل تناظر خودداری کند. در همین جهت است که، ماده ۳۱۴ ق.ج.آ.د.م.، ضمن انشاء قاعده رعایت «بلافاصله» اصل تناظر در رسیدگی به درخواست دادرسی

فوری، به دادگاه اختیار داده است که چنانچه «فوریت» اقتضاء نماید از اجرای بلافاصله اصل تناظر خودداری نماید.^{۴۵} اما در اینجا نیز ماده ۳۲۵ همان قانون به خواننده حق داده است که در هر حال، ضمن تجدید نظرخواهی نسبت به اصل رأی، نسبت به دستور موقت نیز اعتراض کند و در نتیجه ادعاها، ادله و براهین خود را در این خصوص نیز، در دادگاه تجدیدنظر، مطرح نماید^{۴۶} تا دادگاه تجدیدنظر، با عنایت به آنها، نسبت به فسخ یا تأیید قرار مزبور اقدام نماید.^{۴۷}

ج - عدم امکان رعایت «بلافاصله» اصل تناظر

در موارد دیگری اگرچه قانونگذار احترام به اصل تناظر را پیش‌بینی نموده و دادرسی تناظری را مقرر نموده است اما در عین حال، خواننده عملاً

۴۵. ماده ۳۱۴ ق.ج.آ.د.م. مقرر می‌دارد: «برای رسیدگی به امور فوری، دادگاه روز و ساعات مناسبی را تعیین و طرفین را به دادگاه دعوت می‌نماید. در مواردی که فوریت کار اقتضا کند می‌توان بدون تعیین وقت و دعوت از طرفین و حتی در اوقات تعطیل و یا در غیر محل دادگاه به امور یاد شده رسیدگی نمود».

۴۶. ماده ۳۲۵ ق.ج.آ.د.م. مقرر می‌دارد: «قبول یا رد درخواست دستور موقت مستقلاً قابل اعتراض و تجدیدنظر و فرجام نیست. لیکن متقاضی می‌تواند ضمن تقاضای تجدید نظر به اصل رأی نسبت به آن نیز اعتراض و درخواست رسیدگی نماید. ولی در هر حال رد یا قبول درخواست دستور موقت قابل رسیدگی فرجامی نیست».

تبصره ۱- اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی می‌باشد.

تبصره ۲- درخواست صدور دستور موقت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعاوی غیرمالی است».

۴۷. مقررات ماده ۳۲۵ ق.ج.آ.د.م. طریق مناسبی برای نجات خواننده از موقعیت خطیری که با صدور و اجرای قرار دستور موقت در آن قرار گرفته محسوب نمی‌شود. در حقیقت، خواننده ناچار است تبعات دستور موقتی را که علیه او صادر شده، و معمولاً بسیار سنگین است، تا صدور رأی مرحله بدوی و حتی رسیدگی دادگاه تجدیدنظر، تحمل نماید و در انتظار و به امید رأی مرجع تجدید نظر در این خصوص صبر پیشه کند، مگر این که زیر بار تأمینی رود که در ماده ۳۲۱ ق.ج.آ.د.م. پیش‌بینی شده است. ترتیب مقرر در ماده ۳۲۵ ق.ج.، بنابراین، قابل تأیید نمی‌باشد و حق است قانونگذار، مانند ماده ۷۸۶ ق.ج.آ.د.م. قرار دستور موقت را مستقلاً قابل تجدید نظر قرار دهد.

از فرصت و امکان دفاع محروم بوده و در نتیجه اصل تناظر رعایت نمی‌گردد. مقررات ابلاغ به گونه‌ای تدوین گردیده که اصحاب دعوا، علی‌الاصول، از مفاد ورقه مطلع می‌گردند و خواننده یا وکیل او، با حضور در جلسه دادرسی و یا تقدیم لایحه دفاعیه، ادعاها، ادله و استدلالات خواهان را مورد مناقشه قرار داده و آنچه را که لازم می‌داند عرضه می‌نماید. اما همواره چنین نیست و این احتمال وجود دارد که ابلاغ واقعی وقت دادرسی به خواننده غیرممکن گردد و با ابلاغ قانونی وقت نیز خواننده به علت عدم اطلاع و یا علل دیگری در جلسه حاضر نشده و لایحه دفاعیه نیز تقدیم ننماید. در این صورت، دادگاه براساس ماده ۳۰۳ ق.ج.آ.د.م، چنانچه خواهان را در ماهیت محق دانست اقدام به صدور حکم غیابی علیه خواننده می‌نماید. بنابراین رعایت اصل تناظر، در دادرسی غیابی، عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد. در اینجا نیز قانونگذار، در هر حال، به محکوم علیه غایب حق داده است به حکم غیابی اعتراض نماید و بدین ترتیب رعایت بعدی اصل مزبور امکان‌پذیر می‌گردد. در حقیقت، به موجب ماده ۳۰۵ ق.ج.آ.د.م. «محکوم علیه غایب حق دارد به حکم غیابی اعتراض نماید...». حق اعتراض محکوم علیه غایب نسبت به حکم صرفنظر از میزان خواسته و نوع دعوا (مالی و غیرمالی) پیش‌بینی شده است. وخواهی، حتی، در صورتی که حکم ابلاغ واقعی نشده باشد، در هر زمان که محکوم علیه غایب از مفاد حکم مطلع گردید قابل طرح است (ماده ۳۰۶ ق.ج.آ.د.م.).

قانون جدید آئین دادرسی مدنی، به حق، خواننده غایب را که در مرحله بدوی محکوم نگردیده، قادر ساخته است که چنانچه در مرحله تجدیدنظر نیز در هیچ یک از جلسات حاضر نبوده و لایحه دفاعیه و یا

اعتراضیه‌ای نیز تقدیم ننموده باشد و در این مرحله محکوم گردد، به حکم «غیابی» دادگاه تجدیدنظر اعتراض نماید. (ماده ۳۶۴ ق.ج.آ.د.م.) در این صورت اصل تناظر که تا صدور حکم رعایت نگردیده بود، در مقام اعتراض به آن و رسیدگی دادگاه اجرا خواهد گردید.

نتیجه

همانطور که ملاحظه شد، برابری اصحاب دعوا در مقابل قاضی همواره به عنوان امری که عقل سلیم آن را ایجاب می‌نماید تلقی می‌شود، این برابری از جمله مستلزم این است که به هریک از اصحاب دعوا فرصت و امکان داده شود که نه تنها ادعاها، ادله و استدلالات خود را مطرح نماید بلکه ادعاها، ادله و استدلالات رقیب را مورد مناقشه قرار دهد و یا به مفهوم دیگر اصل تناظر مورد احترام قرار گیرد. مفهوم اصل تناظر به عنوان یکی از اصول بنیادین دادرسی همواره در دادرسی مدنی مورد عنایت قانونگذار و رویه قضایی بوده و آراء دیوان عالی کشور در این خصوص هماهنگ به نظر می‌رسد. اصل تناظر و ضرورت تضمین آن نه تنها با فقه مباینتی ندارد بلکه احادیثی توجه به مفهوم آن را اثبات نموده و قضاوت بدون رعایت آن را ممنوع می‌نماید. در عین حال هیچ نصی در قانون اصول محاکمات حقوقی، مصوب ۱۳۲۹ قمری و قانون قدیم آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۱۸ شمسی احترام به اصل مزبور را تحت عنوان یاد شده یا عنوانی مشابه، صریحاً مقرر نمی‌داشت. هیچیک از مواد ق.ج.آ.د.م. نیز صریحاً این اصل را پیش‌بینی نمی‌نماید. البته مقرراتی در جهت فراهم نمودن زمینه اجراء، لزوم احترام و ضمانت اجرای آن در قانون جدید آیین دادرسی مدنی، با تأسی از

قانون قدیم، تدوین گردیده است. اما این مقدار توجه و نحوه آن کفایت نمی‌نماید و حق بود مدونین قانون جدید آئین دادرسی مدنی اصل مزبور و ضمانت اجرای آن را صریحاً پیش‌بینی می‌نمودند. در قانون قدیم آئین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۸۰۶ نیز اصل مزبور تحت عنوان یاد شده (Contradiction) و ضمانت اجرای آن تصریح نگردیده بود، اما مدونین قانون جدید (که از اول ژانویه ۱۹۷۶ لازم الاجراء گردید)، همانطور که گفته شد، اصل مزبور را در مواد ۱۷-۱۴ تصریح نمودند.

قانونگذار ایران نیز می‌بایست درخصوص مورد، و در سایر موارد، در مقام تدوین و اصلاح مقررات آئین دادرسی مدنی نیز، بدون ترس، تردید و پیش‌داوری، سایر نظام‌های معتبر دادرسی را مورد بررسی قرار داده و راه‌حل‌های کارساز آنها را، که عمدتاً با موازین شرع مقدس اسلام، که حضرت ختمی مرتبت (ص) آورد و ایرانیان پذیرفتند، مغایرتی ندارد، با لحاظ فرهنگ و تمدن کشورمان، اتخاذ نماید.